

پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای روش AHP

دریافت: ۱۳۹۷/ ۶ / ۲۵

محمدجواد موسی نژاد^۱

پذیرش: ۱۳۹۷/ ۹ / ۵

محمدباقر خرمشاد^۲

چکیده

سیاست‌گذاری تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار نهادهای حاکمیتی قرار گرفت. ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی در وضعیت زمین و زمین‌داری در کشور، تمرکز شعارهای انقلاب بر عدالت اجتماعی و درخواست‌های روستائیان برای تغییر در شیوه زمین‌داری از عواملی بودند که موجب شد تا این مسئله مورد توجه قرار بگیرد. این فرایند که از سال ۱۳۵۸ آغاز شد و تاکنون با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافته است، دارای پیامدهایی در فضای سیاسی روستاها و بالتبع کشور بوده است. سؤال اصلی فراروی مقاله این است که پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در این راستا، از روش مصاحبه عمیق برای گردآوری اطلاعات و داده بهره گرفته شد. در این روش ضمن رجوع به ۲۰ نفر از نخبگانی که در هیئت‌های ۷ نفره تقسیم زمین در اوایل انقلاب مشغول به کار بودند، به گردآوری داده در مورد پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی پرداخته شد. در مرحله بعدی، با استفاده از تکنیک AHP (تحلیل سلسله‌مراتبی)، متغیرهای استخراج‌شده از روش مصاحبه عمیق، اولویت‌بندی شدند. بر اساس این روش، بیشترین اولویت مربوط به معیار گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها بود. ایجاد ثبات سیاسی در روستاها در اولویت دوم قرار گرفته است. معیار تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان

mjmmjm2006@yahoo.com

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

mb.khorramshad@gmail.com

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

روستائیان در اولویت سوم قرار گرفت. همچنین معیار تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی در اولویت چهارم قرار گرفت.

واژگان کلیدی:

تقسیم اراضی، جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای سیاسی، هیئت‌های هفت نفره.

مقدمه

مسئله زمین یکی از اصلی‌ترین چالش‌های جامعه روستایی ایران از دوران حکومت پهلوی بود. برنامه اصلاحات ارضی سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در زمان حکومت پهلوی دوم اگرچه مورد اجرا گذاشته شد؛ اما نتوانست اهداف و آثار مورد انتظار را به همراه بیاورد (بنگرید به هوگلاند، ۱۳۸۱، ۱۰۱).

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ یک‌بار دیگر جرقه‌ای بر مبحث عدالت اجتماعی و باز توزیع زمین بود. در روزهای انقلابی کشور، بسیاری از خان‌ها و زمین‌داران بزرگ، کشور را ترک کردند و زمین‌هایشان بلا تکلیف باقی ماند. همچنین زمین‌های متعلق به کشت و صنعت‌ها و شرکت‌های سهامی زراعی رها شده بودند. در چنین فضایی که ساختار نظام ارباب - رعیتی با تزلزل جدی مواجه شده بود، روستائیان و دهقانان به دنبال باز توزیع زمین بودند. لغو کامل نظام ارباب - رعیتی و توزیع زمین‌ها برحسب عدالت که خواسته اصلی مردم روستاها بود، موجب شد دور جدیدی از تقسیم اراضی در کشور اتفاق بیفتد که منشأ تحولات اجتماعی و سیاسی بی‌شماری در روستاها گردید.

باز توزیع زمین‌های کشاورزی به زمین‌دار شدن خرده دهقانان و خرده مالکان کمک کرد، دهقانانی که تا قبل از این صرفاً به عنوان کارگر روزمزد در زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند، اینک می‌توانستند خود مالک زمینی باشند که بر روی آن کار می‌کنند. علاوه بر این، حضور اعضای هیئت‌های هفت نفره در مناطق روستایی که مسئولیت میدانی توزیع زمین‌ها را عهده‌دار بودند، منشأ تحولات جدیدی در روستاها بود، خیلی از روستائیان بر طبق قانون تقسیم اراضی، عضو هیئت هفت نفره بودند و بنابراین می‌توانستند در امور مدیریتی مربوط به روستا یا منطقه خود تأثیرگذار باشند. با باز توزیع زمین‌های موات، مصدراهی و بدون

صاحب که در این قانون مورد توجه قرار گرفت، میزان زمین‌های کشاورزی مورد بهره‌برداری در کشور افزایش یافت.

پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در روستاها پس از انقلاب اسلامی، محدود به همین موارد نماند و مقاله حاضر در پاسخ به این سؤال که پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ با استفاده از روش مصاحبه عمیق توانست به یافته‌های ارزشمندی دست یابد که در مرحله بعدی، یافته‌های حاصل از روش مصاحبه عمیق، به صورت سلسله‌مراتبی و از طریق تکنیک AHP مورد تحلیل قرار گرفته است. فرضیه این مقاله عبارت است از: تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی و گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها که از جمله مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند. در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی، به تبیین الگوی نظری موضوع مورد پژوهش پرداخته می‌شود و سپس با استفاده از روش مصاحبه عمیق، پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. در نهایت، متغیرهای حاصل از این روش بر مبنای روش AHP اولویت‌بندی می‌شوند.

الف) مفهوم‌شناسی پژوهش

تقسیم اراضی یا اصطلاح رایج آن، اصلاحات ارضی^۱ که در طول تاریخ در جوامع متعددی اتفاق افتاده، از ادبیات نظری غنی برخوردار است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان مختلفی به تحلیل و تبیین این پدیده اثرگذار در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته‌اند. اصلاحات ارضی در جوامع مختلفی که اجرا شده است، پیامدهای مختلفی را در پی داشته است. از همین منظر اندیشمندان از زوایای متفاوتی به آن نگریسته‌اند، عده‌ای از محققان، صرفاً نگاهی اقتصادی به این پدیده دارند و با عینک توسعه به آن می‌نگرند. بر این مبنای، اصلاحات ارضی به صورت ذاتی ارزش خاصی ندارد و فقط مرحله‌ای از مراحل توسعه است. در این صورت، جامعه باید برای پیشرفته شدن و توسعه‌یافتگی، مرحله اصلاحات ارضی را پشت سر بگذارد. نظریه نئوکلاسیک^۲ توسعه به مقوله اصلاحات ارضی به عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیری از استراتژی و سیاست توسعه اقتصادی نگاه می‌کند. این مسئله در آثار

افرادى چون دورنر،^۳ وارينر^۴ و زهير احمد^۵ به وضوح قابل مشاهده است (Dorner, 1972, 35), (Ahmad, 1975, 22), (Warriner, 1969, 78) علاوه بر اين انديشمندان، آرتور لوئيس،^۶ نيل اسملسر^۷ و والت ويتمن روستو^۸ نيز از افرادى هستند كه به مقوله اصلاحات ارضى، ذيل نظريات توسعه اقتصادى خويش پرداخته‌اند.

نئوكلاسيك‌ها مسئله تخصیص بهینه عوامل توليد كمياب را در كانون توجه قرار مى‌دادند؛ اما ناتوانى نظريه‌هاى نئوكلاسيك‌ها در رفع مشكلات اقتصادى كشورهاي كم توسعه، توجه را به موضوع رشد و توسعه اقتصادى در كل جهان معطوف ساخت. همين مسئله راهى را به سوي مطالعه جوامع كمتر توسعه‌يافته جهان و ارائه تحليل‌هايى جهت حركت به سوي توسعه در اين كشورها باز نمود. افرادى مثل بائر كه در مورد مالايا و آفريقاي غربى مطالعه نمودند و يا كالين كلارك كه در اثر مشهورش «شرایط پيشرفت اقتصادى» خدمات را در كنار بخش كشاورزى و صنعت مورد توجه قرار مى‌دهد. بر اساس اين نظر كلارك بود كه بسيارى از كشورهاي درحال توسعه و از جمله ايران به فاصله كمى پس از اجراى اصلاحات ارضى (اغلب در دهه ۱۹۶۰) به ادغام واحدهاى خرد و تشكيل واحدهاى بزرگ مقياس سرمايه‌دارى ارضى مبادرت كردند (ماير و سيزر، ۱۳۶۸، ۱۱۳). كلارك^۹ در كتاب «اقتصاد كشاورزى معيشتى» كه در سال ۱۹۶۴ با همكارى هازول^{۱۰} منتشر كرد، اين نظر را مطرح نمود كه بهبود در بهره‌ورى كشاورزى بايد به عنوان شرط لازم ديگرى براى توسعه صنعتى تلقى شود (بيگى نسوان، ۱۳۷۶، ۹۱). وى در تكميل نظريه خود، انجام اصلاحات ارضى براى بهره‌ورى در كشاورزى را يكي از پيش شرط‌هاي توسعه دانست.

يكي ديگر از محققان، نيل اسملسر است. وى معتقد است كه توسعه ناشى از برهم‌كنش چهار فرايند متمايز «پيشرفت فن‌شناختى»، «تكامل كشاورزى»، «صنعتى شدن» و «تحول بوم‌شناختى» است (اسملسر، ۱۳۷۶، ۱۴۹-۱۵۳). او معتقد است كه الزامات پيشرفت «فن‌شناختى»، «تجديد سازمان كشاورزى»، «صنعتى شدن» و «شهرگرایی» در جوامع گوناگون، متفاوت است و بر اين اساس نتيجه صف‌بندي‌هاي مجدد ساختى نيز متفاوت خواهد بود (حقيقى، ۱۳۸۵، ۹۶). اين نظريه‌پرداز توسعه، در تجديد سازمان كشاورزى، از اصلاحات ارضى صحبت مى‌كند و معتقد است براى افزايش بهره‌ورى كشاورزى و كشاورزى پيشرفته نيازمند باز توزيع ساختارهاي زمين و ارائه الكويى جديد هستيم؛ اما مهم‌ترين نظريه‌پرداز

توسعه، والت ویتمن روستو است. آرای توسعه‌ای این صاحب‌نظر بیش از همه آرای توسعه‌ای دیگر مورد بحث و جدل‌های موافق و مخالف قرار گرفته است که این، صرف‌نظر از واکنش نسبت به نقش سیاسی روستو و مشاغل دولتی او، می‌تواند بازگویی اهمیت و قابلیت تأثیرگذاری آراء او باشد. مهم‌ترین بخش آراء توسعه‌ای روستو، نظر او درباره‌ی گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی صنعتی است که نخستین بار در کتاب «مراحل رشد اقتصادی» بیانیه‌ای غیر کمونیستی، مطرح شد و به مدل پنج مرحله‌ای روستو و یا مدل «توصیف مرحله‌ای رشد» موسوم است. چشم‌انداز رشد و توسعه‌ی اقتصادی از نظر روستو، چشم‌اندازی مرحله‌ای و تکاملی است. همان‌گونه که آگوست کنت در مطالعات خود معتقد بود که جامعه‌ی غرب از ابتدا در وضعیت مدرن قرار نداشته بلکه روندی تدریجی را طی کرده و سه مقطع تاریخی، یعنی تفکر اسطوره‌ای، تفکر متافیزیکی را پشت سر گذاشته و مرحله‌ی پوزیتیویسم رسیده است، توینس نیز گذار از وضعیت گزلفافت به گمیشافت را تحقق نوسازی می‌داند.

تعداد محققان و اندیشمندانی که توسعه را تکاملی و مرحله‌ای دانسته‌اند اندک نیستند؛ اما آنچه مسلم است تأثیر یکی از آن‌ها بر افکار روستو بود که آن فرد کارل مارکس است. تأثیر مارکس بر افکار روستو تا جایی است که بعدها روش برخورد روستو را با مسائل تاریخی مدرن «یک اعلامیه غیر کمونیستی» نام نهاده‌اند. همان‌گونه که مارکس^{۱۱} مراحل تکامل تاریخ جوامع بشری را به مراحل فئودالیسم سرمایه‌داری، بورژوازی، سوسیالیسم و کمونیسم تقسیم‌بندی کرده است روستو نیز سیر تکامل جوامع سرمایه‌داری را به پنج مرحله تقسیم کرد. (مایر و سیزر، پیشین، ۷۲)

بر همین اساس است که روستو را مارکس نظام سرمایه‌داری می‌خوانند. (همان، ۷۳). روستو در مراحل مختلف به توسعه‌ی بخش کشاورزی توجه خاصی مبذول داشت و در مرحله‌ی دوم ضمن توجه به تحول در این بخش، از اصلاحات ارضی به‌عنوان تحول عمیق در این حوزه یاد می‌کند. با وجود این، اما وی نسخه‌ی جامعی از اصلاحات ارضی را برای همه‌ی کشورها ارائه نکرده است چراکه خود وی اعتقاد داشت که هیچ دستورالعمل صحیح و منحصربه‌فردی در این مورد وجود ندارد و در این زمینه مانند سایر امور بشری باید از تجربیات دیگران سرمشق گرفت؛ اما هر ملتی لازم است راهی خاص را که با وضع و امکانات داخلی‌اش تطابق دارد برای خودش انتخاب کند.

علاوه بر این روشن است که روستو، توسعه در کشورهای صنعتی را لحاظ نکرده است، بلکه دغدغه اصلی وی پیشرفت و توسعه در کشورهای جهان سوم بود (موسی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶۱). روستو مقدمه کتاب خود به این مسئله اذعان می‌کند و می‌گوید: «اکنون که این رساله را در دست تألیف دارم نه به ایالات متحده آمریکا، بلکه به جاکارتا، رانگون، دهلی‌نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می‌اندیشم» (Rostow, 1960, 3).

تمامی محققان یادشده، از اصلاحات ارضی به‌عنوان یک مرحله در مراحل بزرگ‌تر توسعه جامعه یاد می‌کنند. این محققان همه جوامع را دارای یک خط سیر حرکتی می‌دانند و برای همه آن‌ها نسخه‌ای واحد از توسعه را تجویز می‌کنند. اصلاحات ارضی کره جنوبی، تایوان، ایران قبل از انقلاب اسلامی، آفریقای جنوبی و برخی از کشورهای دیگر در آمریکای لاتین بر این مبنا شکل گرفتند و به اجرا درآمدند.

در ادامه به تعریف واژگانی می‌پردازیم که به‌عنوان یافته این تحقیق به‌دست آمده‌اند:

- **مشروعیت:** مشروعیت یکی از واژه‌های پرکاربرد در ادبیات سیاسی است که دارای تعریف‌های متعددی است. ریمون آرون می‌گوید: «مشروعیت راه‌حلی برای مسائل اساسی سیاست ارائه می‌دهد که شامل توجیه هم‌زمان قدرت سیاسی و اطاعت می‌شود.» (Aron, 1990, 24) بنابراین توجه قدرت و اطاعت اصل اساسی در بحث مشروعیت است و دولت‌ها برای توجیه موفق نیاز دارند تا رضایت مردم، رعایت هنجارها و ارزش‌ها و مطابقت با قوانین را در دستور کار خود قرار دهند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در مشروعیت، اصل رضایت است. رضایت در پایه‌گذاری مشروعیت دخالت دارد؛ زیرا زیربنای روابطی است که سازنده حق به‌طور عام و حق سیاسی به‌طور خاص است. هویت بخشی و شناسایی قدرت از طریق حق، مادامی که رضایت وجود داشته باشد، ادامه دارد. اگر رضایت از بین رفته باشد، باید منتظر فقدان مشروعیت سیاسی باشیم (Coicaud, 2004, 14)؛ بنابراین مشروعیت مفهومی بسیار مهم برای اساس کار حکومت‌داری است.

- **ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی:** دو مفهوم عمده و کلانی هستند که محققان مختلف در حوزه علوم سیاسی تعاریف متعددی از آن‌ها را ارائه کرده‌اند. عده‌ای از محققان ثبات را قاعده، نظم و نهادمندی دانسته‌اند و عده‌ای دیگر از جمله سیمور مارتین لپیست، آن را به‌صورت پیوستگی یا تداوم یک نوع سیستم سیاسی خاص تعریف کرده است (دهقانی

فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۰) دیوید ساندرز معتقد است ثبات سیاسی ناظر است بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده که خواه به صورت تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت و خواه به صورت مسالمت‌آمیز و یا حتی خشونت‌آمیز، به چالش با قدرت سیاسی موجود یا خود ساختار اقتدار سیاسی می‌انجامد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱). صرف نظر از تعاریف متعدد، آنچه واجد اهمیت است شاخص‌های ثبات و یا بی‌ثباتی است که ابوالفضل دلاوری آن‌ها را به صورت زیر برمی‌شمرد: زیر سؤال بردن مقامات سیاسی، برنامه‌ها و سیاست‌های حکومت، اعتراضات خشونت‌آمیز علیه مقامات سیاسی، برنامه‌ها و قوانین کشور، تغییر غیرمعارف مقامات سیاسی، تغییر خشونت‌آمیز مقامات سیاسی، برنامه‌ها و سیاست‌ها (دلاوری، ۱۳۹۱: ۵۳).

مشارکت

مشارکت به معنای عام و مشارکت سیاسی به معنای خاص کلمه یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های جوامع سیاسی به شمار می‌رود. در ارتباط با مشارکت، آنچه واجد اهمیت بسیار است، گستره دایره آن از جمله برپایی گردهمایی‌ها، تأسیس احزاب و نهادهای مدنی، چرخش نخبگان، انتخابات آزاد و مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی‌هاست. (آب نیکی، ۱۳۹۰، ۲۴۳)

ب) الگوی نظری

نوعی نگاه به اصلاحات ارضی وجود دارد که نگاه مبتنی بر بازتوزیع زمین باهدف عدالت اجتماعی است که بیشتر در جوامع کمونیستی و یا انقلابی مورد توجه قرار گرفت. بر مبنای این دیدگاه که حاصل نگاه انقلابی حکومت است و در کشورهایی رخ می‌داد که حکومت جدیدی پس از انقلابی اجتماعی تأسیس می‌شد، زمین و روستا جزئی از طبقات اجتماعی جامعه هستند که برای نیل به آرمان‌های انقلاب باید مورد توجه حاکمیت قرار بگیرند. بر مبنای دیدگاه یادشده، بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه که موجب قیام مردم و در نتیجه، انقلاب شده است در میان روستائیان وجود دارد و حکومت برای بازتوزیع زمین در این راستا برنامه انقلابی دارد. نگاهی به اصلاحات ارضی در کشورهایی که انقلاب کمونیستی را تجربه کرده‌اند، مؤیدی بر این مدعا است. شوروی، چین و کوبا سه کشوری هستند که در آن‌ها

حکومت نوپای کمونیستی بلافاصله پس از کسب قدرت، دست به اعمال اصلاحات ارضی شدید زد.

در شوروی پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها در ۱۹۱۷ فرمان زمین صادر و برای اجرا ابلاغ شد. در ماه می ۱۹۱۷ و در پاسخ به تصرفات زمین توسط دهقانان، ولادیمیر لنین ۱۳ پیشنهاد داد که به صورت کلی مالکیت شخصی زمین حذف گردد. لنین تأکید کرد که تغییر مالکیت زمین‌ها باید توسط دهقانان محلی و از طریق یک روش سازمان‌یافته صورت بگیرد (Decree of Land, 1917). بند دوم بیانیه لنین نشان می‌دهد که وی به دنبال تسهیل نمودن دستیابی دهقانان به رؤیای خود، یعنی کسب زمین بود. در این بند آمده بود: «املاک همه زمین‌داران و پادشاهی، زمین‌های کلیسا و صومعه‌ها، حیوانات مزارع، ابزارها و ساختمان‌های کشاورزی و هر چیزی که بدان‌ها مربوط است باید در اختیار کمیته‌های زمین قرار بگیرد تا به دست دهقانان شوراها بیفتد.» (Decree of Land, 1917). این ایده لنین و سران بلشویک نشئت‌گرفته از سنت کمونیسم بود و آنان عقیده داشتند که این اصلاحات زمین، کیفیت بهره‌برداری از زمین را افزایش می‌دهد. در فوریه ۱۹۱۸، کمیته اجرایی مرکزی که اکثریت آن در اختیار بلشویک‌ها بود «قانون مبنا در مورد اشتراکی سازی زمین» را تصویب کرد (Lissner, 1940, 147). رهبران حکومت نوپا در شوروی، انجام این اصلاحات با سرعت را برای کسب پشتیبانی مردم از حکومت، لازم می‌دانستند. بازتوزیع زمین‌ها در سال‌های اولیه تقریباً مورد رضایت اکثریت دهقانان بود. بر مبنای یافته‌های پژوهشی از کریس سو در این مورد، کشاورزان روسی از کسب زمین در قطعات مختلف، حتی به صورت جمعی خرسند بودند، وی به این جمله از یکی از دهقانان در آن زمان اشاره می‌کند: «زمینی که در آن سهیم هستیم مادر ماست، به ما غذا و سرپناه می‌دهد.» (Martynov, 2001, 242)؛ اما سیاست زمین در حکومت کمونیستی شوروی یکسان نبود و در مقاطع تاریخی با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. در مرحله اول، سیاست زمین مبتنی بر کالخوز ۱۴ مورد توجه قرار گرفت. با ایجاد کالخوز، به صورت کلی اموال شخصی دهقانان، یعنی مزارع از دست آنان خارج شد. میزان زمین اختصاص داده شده به دهقانان توسط قوانین مصوب ابلاغی اعلام می‌شد. برای مثال قانون مصوب ماه مارس ۱۹۳۰ به کشاورزان اجازه کار بر روی یک قطعه زمین کوچک خانگی برای کشاورزی خصوصی را می‌داد، این قانون در فوریه ۱۹۳۵ با تغییراتی همراه شد (Луковцева, без даты, 1) با مرگ استالین، سیاست زمین حکومت در رابطه با کالخوزها

دچار تغییر و تحولاتی شد. در دوران جدید، به واسطه تجربیاتی که رهبران جدید شوروی داشتند اداره زمین را مانند سابق نمی پذیرفتند. تجربه مدیریت حدود ۹۹ درصد زمین ها توسط دولت در حدود سی سال، نشان داد که مدیریت جمعی مزارع موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی شده است تا جایی که بر مبنای یافته های عبدو رشیدوف، تولیدات کشاورزان حکومت شوروی ها برابر با ۱۰٪ تولید هم‌تایانشان در آمریکا بود. (Абдурашитов, 2016, 34).

کشور چین نیز تجربه انجام دو اصلاحات ارضی را در طول قرن بیستم دارد. اصلاحات ارضی سال ۱۹۴۹ - ۱۹۵۲ که به صورتی کاملاً شدید و جدی اجرا شد (Zhou, 1996, 42). این اصلاحات با دخالت گسترده ارتش آزاد مردمی میسر شد. در سال ۱۹۵۲ حزب کمونیست چین موفق به راه اندازی سیستمی شد که در آن کشاورزی خانوادگی در زمین های کوچک رونق پیدا می کرد. این سیستم تا سال ۱۹۵۶ ادامه داشت تا اینکه با سیستم کشاورزی دسته جمعی جایگزین شد (Hinton, 1970, 29). دومین برهه از اصلاحات ارضی در چین به سال ۱۹۸۱ و دهه ۸۰ میلادی بازمی گردد. این اقدامات بیشتر باهدف مؤثر کردن و افزایش بهره‌وری سیستم کشاورزی دسته جمعی صورت گرفت (Wong, 2014, 52).

اگر خواسته باشیم یک جمع بندی از سیاست های زمین و اصلاحات ارضی سه انقلاب بزرگ کمونیستی ارائه دهیم، جدول مقایسه ای آن چنین خواهد بود:

جدول فعالیت های انجام شده در باب اصلاحات ارضی و پیامدهای آن در انقلاب های بزرگ

ردیف	انقلاب	سیاست زمین	فعالیت اجرایی و پیامد
۱	شوروی	۱- متصلب کالخوزی	ضبط کلیه اموال و دارایی های دهقانان. تبدیل زمین ها به مزارع جمعی - اشتراکی سازی و سوسیالیسم. اداره مزارع جمعی توسط دولت - دولتی نمودن مزارع.
		۲- منعطف کالخوزی	راه اندازی تعاونی های کشاورزی - تشویق به مشارکت جویی

فعالیت اجرایی و پیامد	سیاست زمین	انقلاب	ردیف
الزام عضویت کشاورزان در تعاونی‌ها			
تصویب قانون به رسمیت شناختن مزارع با مالکیت خصوصی و انتقال مزارع به بخش خصوصی. کاهش میزان مالکیت دولتی زمین‌ها، توجه به مالکیت خصوصی، افزایش میزان رضایتمندی مردم از حکومت.	۳- بریگارد های قراردادی		
تصرف زمین‌های کشاورزی توسط دولت. واگذاری زمین‌های کوچک از سوی دولت به خانواده‌ها. درگیر نمودن بخش عظیمی از دهقانان بی زمین در کشاورزی مالکانه.	۱- کشاورزی خانوادگی		
در اختیار گرفتن زمین‌های کشاورزی توسط دولت. راه‌اندازی تعاونی‌های روستایی - تقویت روحیه مشارکت‌جویی. الزام عضویت کشاورزان در تعاونی‌ها.	۲- کشاورزی جمعی	چین	۲
اجرایی نمودن اصول سیاست جهش بزرگ به جلو در بخش کشاورزی - افزایش بهره‌وری زمین‌ها. تجمیع زمین به قطعات بزرگ‌تر با نام کمون. تشدید شکل‌های کشاورزی جمعی.	۳- کمون‌های خلق		

فعالیت اجرایی و پیامد	سیاست زمین	انقلاب	ردیف
انتقال اموال و دارایی‌های کشاورزان به کمون‌ها. صرف اکثر اوقات کشاورزان در کمون‌ها.			
تسهیل استراتژی‌های زمین‌داری. تمرکز بر رشد اقتصادی در حوزه کشاورزی. ارائه مشوق‌های خاصی برای کشاورزان. دادن زمین به کشاورزان از سوی تعاونی‌های روستایی. استقلال کشاورزان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید و مدیریت زمین. جبران خسارت سلب مالکیت در زمان‌های قدیم برای کشاورزان. به رسمیت شناختن حق بهره‌برداری زمین از سوی دولت.	۴- تعاونی روستایی		
به رسمیت شناخته شدن حق مالکیت خصوصی در قانون. تأکید بر ممنوعیت نقض حقوق قانونی افراد و اشخاص توسط دولت. توجه ویژه به مقوله اقتصاد در حوزه کشاورزی.	۵- مالکیت خصوصی		

ردیف	انقلاب	سیاست زمین	فعالیت اجرایی و پیامد
۳	کوبا	۱- مالکیت عمومی	سلب مالکیت از مردم. دولتی شدن زمین‌ها. کارگر شدن کشاورزان و فعالیت کارگری آنان در مزارع.
		۲- ملی نمودن اراضی	خلع ید کشاورزان از زمین‌های بزرگ. ملی کردن زمین‌های بیش از ۶۷ هکتار. توجه ویژه به مزارع نیشکر.
		۳- تعاونی‌های مشارکتی	ارزیابی مجدد سیاست‌های اقتصادی سوسیالیستی. راه‌اندازی واحدهای تولیدی مشارکتی. تبدیل مزارع دولتی به تعاونی. تبدیل شدن کارگران به اعضای تعاونی‌ها. دموکراتیک محور بودن تعاونی‌ها. مشارکت اعضا در سود و دارا بودن نقش در تعیین رئیس تعاونی.

با مروری بر ادبیات اصلاحات ارضی در انقلاب‌های بزرگ جهان، می‌توان گفت هدف نهایی انجام این سیاست کلان در کشور، برپایی عدالت اجتماعی بوده است. در شوروی، چین و کوبا این اصلاحات ارضی پیامدهای سیاسی متعددی داشته است که از آن جمله می‌توان به اشتراکی سازی و سوسیالیزم، تشویق به مشارکت‌جویی، نفوذ حکومت در اعماق روستاها، تقویت حضور روستائیان در نهادهای اجرایی و اداری روستاها و کمون‌ها و ترغیب حس استقلال در کشاورزان اشاره کرد.

اصلاحات ارضی در ایران (دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰)

اصلاحات ارضی در ایران زمان حکومت محمدرضا پهلوی، با جنس اصلاحات انجام شده در کشورهایی که انقلاب کمونیستی را تجربه کرده‌اند، متفاوت است. این اصلاحات بیش از هر چیزی، مبنا و اساس غربی داشت و مبتنی بر دیدگاهی بود که والت ویتمن روستو در راستای سیاست محدود نمودن کمونیسم به دولتمردان آمریکا پیشنهاد داده بود. این اصلاحات ارضی در ایران، سه مرحله را پشت سر گذاشت: مرحله اول با تصویب لایحه قانونی اصلاحات ارضی مصوب دی ۱۳۴۰ شروع و یک سال طول کشید. یک سال پس از اجرای نخستین مرحله اصلاحات ارضی، سیاست دولت در این زمینه تغییر کرد. این تغییر از یک سو به دلیل مخالفت شاه با ارسنجانی (وزیر کشاورزی وقت) و علی امینی (نخست‌وزیر وقت) بود. شاه گمان می‌کرد که این دو درصد کاهش قدرت وی هستند. در سال ۱۳۴۲ ارسنجانی که محبوبیت زیادی میان کشاورزان کسب کرده بود، به سبب مخالفت شاه، مجبور به استعفا شد. مراحل بعدی اصلاحات ارضی بعد از استعفای ارسنجانی بسیار محافظه‌کارانه‌تر از مرحله نخست بود (کدی، ۱۳۸۶، ۲۸۵). پس از تیرماه ۱۳۴۲ اسداله علم (نخست‌وزیر جدید) شاه را متقاعد کرد که برای ایجاد ثبات در روستاها لازم است امنیت مالکان تأمین شده و درعین حال زارعان از حق کشت برخوردار شوند. به همین خاطر بند الحاقی به قانون مرحله اول اصلاحات ارضی مورد تصویب قرار گرفت (کدی، ۱۳۸۶، ۱۱۴). از سوی دیگر این تغییر رویه به دلیل مخالفت گسترده گروه‌های مختلف مالکان و همچنین نارضایتی روستائیان بود که زمین‌هایشان مشمول قانون اصلاحات ارضی نشده و هنوز تحت مالکیت اربابان بود. به دلیل پرداخت نکردن بهره مالکانه از سوی این کشاورزان، درگیری‌هایی بین آن‌ها و مالکان پیش آمده بود.

سرانجام در بهمن‌ماه ۱۳۴۴ با الحاق بندی به قانون قبلی اصلاحات ارضی، مرحله دوم این قانون به مرحله اجرا درآمد. پژوهشگران هدف اصلی مرحله دوم اصلاحات ارضی را بهبود وضع زارعانی می‌دانند که زمین‌های زیر کشت آن‌ها مشمول قانون مرحله اول نشده است. هدف فرعی این مرحله را نیز حمایت از موقعیت خرده‌مالکانی می‌دانند که در اثر قانون اصلاحات ارضی وضعشان بدتر شده است (هوگلاند، ۱۳۸۱، ۱۲۵ و خسروی، ۱۳۵۵، ۱۵۲).

مرحله سوم اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۷ آغاز شد که در آن برای مالکان دو گزینه در نظر گرفته شد: یا فروش یا تقسیم و بدین ترتیب در سال ۱۳۵۰ کار اصلاحات ارضی در

ایران به اتمام رسید. برای مشکلات نهادی هم اقدام به تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی شد و شرکت‌های تعاونی روستایی برای توزیع محصولات کشاورزی و برای رفع نیازهای مالی کشاورزان راه‌اندازی شد. سرانجام با پایان اصلاحات ارضی در سال ۱۳۵۰ وزارت اصلاحات ارضی منحل و وزارت کشاورزی تأسیس گردید. پایان این سیاست در ایران قبل از انقلاب به معنای موفقیت اجرای آن نبود، بلکه همان‌گونه که هوگلاند در تحقیق خود آورده، سیاست اصلاحات ارضی در ایران عصر پهلوی هم در اجرا و هم در نتیجه کاملاً شکست خورد (هوگلاند، ۱۳۸۱، ۱۴۲). همین مسئله موجب شد تا موضوع زمین و بازتوزیع آن، پس از انقلاب نیز همچنان به‌عنوان یک موضوع حل‌نشده در دستور کار حکومت قرار بگیرد.

ج) پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران

تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران

اصلاحات ارضی که بلافاصله پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران در قالب قانون تقسیم اراضی توسط شورای انقلاب تصویب و در قالب هیئت‌های هفت نفره در سراسر کشور به اجرا گذاشته شد، برآمده از اندیشه آرمانی انقلاب، یعنی تحقق عدالت اجتماعی بود. یکی از مطالبات مهم و عمده بخشی از جریان انقلاب که همواره توسط دهقانان و کشاورزان مورد تأکید بود، بازتوزیع زمین‌های روستایی بود. در واقع اصلاحات ارضی قبل از انقلاب، نه تنها نتوانست منافع طبقه دهقان را تأمین نماید، بلکه همچنان بی‌عدالتی در توزیع زمین‌های روستایی در مناطق مختلف کشور قابل مشاهده بود. این فرایند که در قالب سه مرحله و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی توسط حکومت پهلوی انجام شد، بیش‌ازپیش موجب دل‌زدگی جامعه دهقانی نسبت به حکومت گشت و همین امر موجب شد تا در زمان وقوع انقلاب اسلامی، گروه‌های دهقانی هیچ حمایتی از حکومت مستقر نکنند. انقلاب اسلامی به‌مراتب از تغییر ساختار سیاسی فراتر رفت و بنیان‌های اجتماعی جامعه را نیز دچار تغییر و تحول کرد. شعار عدالت محوری انقلاب اسلامی، به‌تدریج زمینه را برای افزایش مطالبات عمومی روستائیان فراهم کرد. رهبران انقلاب و حکومت نوپا نیز نمی‌توانستند در برابر این مطالبات مبتنی بر توزیع زمین به شیوه عادلانه، موضع انفعالی اتخاذ کنند، چراکه عملاً در اکثر انقلاب‌های بزرگ دنیا، تغییرات اجتماعی در این حوزه مورد مطالبه عموم است. در همین راستا رهبران انقلابی به دنبال راه‌حلی برای این مسئله برآمدند که دارای ریشه تاریخی بود.

در گام اول، وزارت کشاورزی دولت موقت، محل تضاریبی از این اندیشه‌ها و آرا شده بود. خواست مردم از یک طرف و دغدغه‌مندی در لایه‌های حکومت از طرف دیگر، موجب شد تا یکبار دیگر مانند قبل از انقلاب، پای روحانیون و مراجع نیز به مسئله زمین و مهم‌تر از آن، مقوله مالکیت زمین باز شود و جریان تقسیم اراضی در کشور از سال ۱۳۵۸ کار خود را شروع نماید؛ بنابراین سیاست تقسیم زمین که از این سال در مراجع قانون‌گذاری اعم از شورای انقلاب، مجلس شورای ملی و... مصوب و توسط سازمان‌های ذی‌ربط به اجرا گذاشته شد، برآمده و منبعث از آرمان‌ها و ایده‌های انقلابی توأمان با خواست روستائیان بود. این سیاست زمین در مقاطع مختلف در دهه ۶۰ و ۷۰ خورشیدی با سرعت و شدت در سراسر کشور اجرا شد و تبعات سیاسی مختلفی را برای جامعه روستایی ایران رقم زد.

روش تحلیل

تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران خیلی محدود و اندک مورد بررسی و تبیین محققان علوم اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و از فقر محتوایی برخوردار است. هیچ پژوهشی به صورت مستقل و جامع آثار و پیامدهای این فرایند را مورد توجه قرار نداده است. از جمله پیامدهای این فرایند می‌توان به پیامدهای سیاسی آن اشاره کرد. برای دستیابی به تحلیلی جامع از این موضوع، از مصاحبه عمیق استفاده کردیم. مصاحبه عمیق یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که فرایندی دارای ساختار برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و درنهایت، اجماع گروهی است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۷۵). مصاحبه عمیق، مصاحبه‌ای فردی و بدون ساختار است که به دنبال شناسایی عقاید، احساس‌ها و نظرهای مصاحبه‌شونده راجع به یک پدیده یا یک موضوع خاص پژوهشی است. مزیت این شیوه گردآوری داده آن است که چون به صورت «رودررو» اتفاق می‌افتد؛ بنابراین نسبت پاسخ ندادن مشارکت‌کنندگان احتمالاً صفر است. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که موضوع‌های پیچیده، حساس، ضدونقیض، بحث‌برانگیز و چالشی را بررسی کند. همچنین از این روش گردآوری داده به‌عنوان «مصاحبه کیفی» نیز نام برده شده است؛ چراکه داده حاصل از این مصاحبه بسیار عمیق است. چیزی که باعث عمق بخشیدن به این داده می‌شود تخصص و تجربه بالای مصاحبه‌شونده است؛ بنابراین مسئله مهمی که پژوهشگر باید به آن توجه کند آن است که تخصص‌گرایی و تجربه افراد برای شرکت دادن در این مصاحبه کلیدی است.

شایان ذکر است که مصاحبه از نظر میزان سازمان‌یافتگی به سه دسته عمده مصاحبه ساختاریافته، نیمه ساختاریافته و باز یا بدون ساختار تقسیم می‌شود. نوع مصاحبه‌ای که پژوهشگر انتخاب می‌کند به اهداف تحقیق و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان بستگی دارد. اگر مصاحبه‌گر از قبل، اطلاعات جامعی درباره موضوع و ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان داشته باشد، همچنین علاقه‌مند به کسب مجموعه اطلاعات بنیادی مشابهی درباره موضوع باشد یا لازم باشد نمونه بزرگی از پاسخ‌دهندگان بررسی شوند، می‌توان از روش مصاحبه ساختاریافته استفاده کرد (دلور، همان، ۱۵۸). مصاحبه بدون ساختار به‌عنوان یک جست‌وجوی مقدماتی برای یافتن موضوعاتی که باید با روش‌های ساختارمندتر مطالعه شود صورت می‌گیرد. همچنین جایی که مصاحبه ساختاریافته موجب می‌شود مصاحبه‌شونده تحت فشار قرار گیرد یا محقق علاقه‌مند است برخی از ابعاد تجربه زندگی شخصی مصاحبه‌شونده را بررسی کند و رسیدن به این هدف تنها از طریق آزاد گذاردن مصاحبه‌شونده ممکن است، از مصاحبه بدون ساختار استفاده می‌شود (گیلهام، ۲۰۰۰، ۲۱).

همان‌گونه که آورده شد، تجربه و تخصص افراد مصاحبه‌شونده مسئله مهم بهره‌گیری از این روش است. در همین راستا در این مقاله، از نظریات ۲۰ نفر از نخبگان و کارشناسانی که در هیئت‌های ۷ نفره^{۱۵} تقسیم زمین در اوایل انقلاب مشغول به کار بوده‌اند و یا به‌نوعی در وضع و تصویب قوانین مربوط به زمین در جمهوری اسلامی ایران مشارکت داشتند، استفاده شده است. این کارشناسان یا خود جزو هیئت‌های هفت نفره تقسیم زمین در ایران بوده‌اند و یا از نزدیک با این هیئت‌ها و ستاد مرکزی آن در تهران ارتباط تنگاتنگی داشتند؛ بنابراین همگی آنان جزو دست‌اندرکاران سیاست تقسیم زمین در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند و در حال حاضر در نهادها و دستگاه‌های دولتی از جمله سازمان امور اراضی مشغول به کار هستند.

در قسمت دوم این مقاله به اولویت‌بندی یافته‌های حاصل از روش مصاحبه عمیق پرداخته شد. برای اولویت‌بندی این یافته‌ها از تکنیک AHP استفاده شده است. این تکنیک همان تکنیک سلسله‌مراتبی است که محاسبات آن در برنامه EXCEL انجام شده است. روش AHP به‌وسیله توماس ال ساعتی در سال ۱۹۷۵ معرفی گردید که باهدف انتخاب گزینه مناسب بر اساس معیارهای چندگانه طراحی شده است. همچنین از این تکنیک برای وزن‌دهی به معیارها و زیرمعیارها نیز استفاده می‌شود. برای تعیین اوزان معیارها در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی از

تکنیک مقایسه‌های زوجی استفاده می‌شود. (لین و دیگران، ۲۰۰۹، ۴۱۳۵) اساس فرایند AHP بر مقایسه‌های زوجی بر اساس دیدگاه خبرگان استوار است. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با به‌کارگیری معیارهای کیفی و کمی به‌طور هم‌زمان و نیز قابلیت بررسی ناسازگاری در قضاوت‌ها می‌تواند کاربرد مطلوبی داشته باشد. همچنین این روش زمینه‌ای را برای تحلیل و تبدیل مسائل مشکل و پیچیده به سلسله‌مراتبی ساده‌تر فراهم می‌آورد که در چارچوب آن برنامه‌ریز بتواند ارزیابی گزینیه‌ها را با کمک معیارها و زیرمعیارها به‌راحتی انجام دهد. (نصرتی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین پژوهشگر می‌تواند یافته‌های خود را با اولویت به‌صورت منظم و شفاف مورد بررسی قرار بدهد. در این پژوهش، یافته‌هایی که با به‌کارگیری روش مصاحبه عمیق کسب‌شده‌اند، با استفاده از AHP اولویت‌بندی گردید تا محقق بتواند میزان وزن هرکدام از معیارها را دریابد.

یافته‌های مصاحبه عمیق

با مراجعه به نخبگان و متخصصان تقسیم اراضی، درنهایت متغیرهای زیر به‌عنوان پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی و معرفی شد.

تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان

اولین متغیر مهم درزمینه پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت است. برحسب نتایج مصاحبه عمیق، ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان، معتقد بودند که نتایج سیاسی تقسیم زمین در مسئله مشروعیت حکومت جدید قابل رؤیت بود. به‌عبارت‌دیگر این تقسیم زمین نتیجه مستقیمی بر روی مشروعیت حکومت داشته است. یافته‌های این مصاحبه‌ها از قبیل: «ایجاد اعتماد به مردم در تصمیم‌گیری‌ها، القای این تفکر در مردم که همه در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران یکسان هستند» (شریف، ۱۳۹۵) «همراهی حکومت با خواسته‌های مردم مخصوصاً اقلیت‌ها در کردستان و ترکمن‌صحرا» (پسیان، ۱۳۹۵)، «ایجاد نزدیکی و ارتباط بین روستائیان و حکومت از طریق هیئت‌های هفت نفره (مجدالدین، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد که اولین نتیجه سیاست تقسیم زمین در حوزه سیاسی، تقویت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان است. این موضوع در کنار ایجاد اعتماد، منجر به ایجاد نگرش مثبت در میان روستائیان نسبت به حکومت جدید شد (مسعودی، ۱۳۹۵).

هیئت‌های هفت نفره تقسیم اراضی دقیقاً زمانی کار خود را آغاز کردند که نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران استقرار یافته بود؛ اما به شدت از لحاظ حاکمیتی با مشکل مواجه بود. به همین جهت، جلب رضایت عموم مردم که مبنای مشروعیت است و یا بالعکس نارضایتی مردم از حکومت، یک مسئله اساسی برای حکومت بود. عدالت اجتماعی اولین زیرمعیار متغیر «تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان» است که مورد توجه قرار گرفته است. یکی از کلیدواژه‌های اصلی انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی بود. در مقوله اصلاحات ارضی قبل از انقلاب اسلامی، همان‌گونه که اریک هوگلاند در کتاب خود آورده، بی‌عدالتی‌های بسیاری رقم خورد و به همین جهت، بسیاری از روستائیان از روند اصلاحات ارضی ناراضی بودند (بنگرید به: هوگلاند، ۱۳۸۱)؛ بنابراین بازتوزیع زمین تحت هر عنوان در راستای تحقق عدالت اجتماعی، می‌توانست در جلب رضایت عموم مردم نسبت به حکومت نوپا مؤثر بیفتد.

در قوانین مصوب تقسیم اراضی پس از انقلاب هیچ‌گونه استثنایی در مورد اقوام و مذاهب مختلف وجود ندارد. بدین معنا که قوانین تقسیم اراضی جمهوری اسلامی ایران فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه فقط به دنبال بازتوزیع زمین بود. این موضوع، عامل مهمی در جلب رضایت عمومی بود. علاوه بر این به دلیل تقسیم زمین بدون توجه به نوع مذهب و قومیت، از آنجایی که اکثر استان‌های مشمول این قوانین، دربرگیرنده اهل تسنن نیز بوده‌اند، روستائیان اهل سنت از عدم تبعیض مسئولیت این قانون خرسند بودند و در نتیجه، یکی از زیرمعیارهای متغیر مشروعیت، تأثیر مثبت تقسیم اراضی بر نگرش و بینش روستائیان اهل سنت است. برای مثال «در منطقه تایباد که اهل سنت ساکن بودند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بودند؛ اما پس از اصلاحات ارضی نگرش مردم تفاوت کرده بود چون در مسئله زمین، نابرابری و بی‌عدالتی از سوی حکومت ندیده بودند و به آنان نیز زمین رسیده بود» (مسعودی، ۱۳۹۵). همچنین زیرمعیار شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق تصمیم‌گیری در میان روستائیان در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. از آنجایی که دو نفر از اعضای هیئت ۷ نفره، از میان معتمدان روستا بودند، به تدریج روستائیان به این نتیجه رسیدند که در جریان تصمیم‌سازی در مورد سرنوشت خودشان مشارکت دارند و با توجه به حضور در تصمیم‌سازی‌ها، احساس شکل‌گیری استقلال در امور نیز کسب کردند. این «یک نوع احساس استقلال در تصمیم‌گیری به روستائیان می‌داد» (د، ۱۳۹۵ و شریف، ۱۳۹۵) و در واقع «اعتماد

به عموم مردم در تصمیم‌گیری‌ها» (خسروی، ۱۳۹۵) بود. حضور هیئت‌های هفت نفره و به خصوص نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای دولتی اعم از جهاد سازندگی، کشاورزی، فرمانداری، دادگستری و سپاه در روستاها موجب شد تا به تدریج بین روستائیان و کارگزاران حکومت مفاهمه‌ای صورت بگیرد که این مفاهمه موجب ارتباط دوسویه بین حکومت و روستائیان گردید.

۲. ایجاد ثبات سیاسی در روستاها

متغیر مهم دیگری که از میان مصاحبه‌ها بیرون کشیده شد، ایجاد ثبات در روستاها بود. این متغیر نیز در میان صحبت مصاحبه‌شوندگان در کنار متغیر مشروعیت قرار داشت و ۱۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان نتیجه سیاسی تقسیم زمین بدان اشاره کردند. با وقوع انقلاب اسلامی، مناطق مختلف کشور دستخوش بی‌ثباتی شدند. «تحریک دهقانان توسط گروه‌های مختلف معاند نظام جمهوری اسلامی در مناطق مختلف از جمله کردستان، ترکمن صحرا و بلوچستان موجب شد تا در مناطق روستایی مخصوصاً مرزنشین ناآرامی‌هایی اتفاق بیفتد. «عمدتاً گروه‌های چپ از زمین و مسئله آن، به دنبال سوءاستفاده بودند و به‌نوعی زارعین را در برابر نظام صف‌آرایی می‌کردند. بر همین اساس، زمین تبدیل به یک مسئله سیاسی و اجتماعی شد...» (عموزاده، ۱۳۹۵). به این ترتیب، روستاهای این مناطق با بی‌ثباتی مواجه شدند و عملاً درگیری با منشأ زمین شدت گرفت. علاوه بر این، پس از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از صاحبان زمین و زمین‌داران بزرگ با رها کردن ملک‌های خود به خارج از کشور گریختند، زمین‌های رهاشده و بدون صاحب بلافاصله توسط زارعین و کشاورزان مورد استفاده قرار گرفت، این مسئله خود منشأ اختلاف بود و کشاورزان برای بهره‌برداری از این زمین‌ها با یکدیگر درگیری داشتند. در برخی از مناطق از جمله جیرفت در کرمان، این زدوخوردها تبدیل به نزاع شدید و نهایتاً کشته شدن چند نفر انجامید (اطلاعات ۵۸/۶/۱۲۰). حکومت نوپا قبل از سرایت این درگیری‌ها به سراسر کشور با بی‌ثباتی سیاسی مقابله کرد. یکی از مهم‌ترین روش‌های مؤثر برای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تقسیم اراضی بود. تقسیم اراضی قانونی موجب شد تا «تحریک گروه‌های معاند نظام در مناطق روستایی در مورد زمین دیگر کارساز نباشد و مردم به بهانه زمین، به زدو خورد و آشوب نپردازند» (مسعودی، ۱۳۹۵). همچنین اختلاف و تضاد منافع بین مردم در مورد زمین حل شد، «زمین‌های بلاصاحب به‌صورت قانونی بین روستائیان و دهقانان تقسیم شد» (سلامتیان،

۱۳۹۵) و عملاً موجب کاهش اختلاف و درگیری با منشأ زمین شد. بر این اساس بنا به اظهار نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، «بی‌تردید این تقسیم زمین‌ها در خشتی کردن توطئه‌افزایی بود که قصد برپایی شورش و غائله در مناطق مختلف کشور را داشتند، نقش مهمی داشتند» (الف، ۱۳۹۵) مسئله‌ای که مصاحبه‌شونده ج نیز بدان اذعان داشته و گفت: «در مناطق بحران‌زده مانند کردستان، جنوب کرمان، ترکمن صحرا و سیستان این تحرکات با توزیع زمین خشتی شد و به‌نوعی ثبات سیاسی در کشور ایجاد شد» (ج، ۱۳۹۵) مردم روستانشین به‌واسطه زمین‌دار شدن و همچنین ارتباط متقابل با کارگزاران حکومتی در هیئت‌های هفت نفره، به‌نوعی با نهادهای حاکمیتی پیوند برقرار کردند. این «جذب روستائیان، به معنای پیدا کردن خود خودشان بود که یکی از دستاوردهای مهم تقسیم زمین محسوب می‌شد» (شریف، ۱۳۹۵). به‌عبارت‌دیگر نوعی همبستگی و هم‌زبانی بین حاکمیت و روستاها شکل گرفت و این مسئله، قوام ثبات سیاسی را در پی داشت. یکی دیگر از دلایل زدوخوردها و بی‌ثباتی در مناطق روستایی، ظلم اربابان و زمین‌داران بزرگ بود که با اجرای قانون تقسیم اراضی، سیستم زمین‌داری مزبور به‌صورت کلی برچیده شد.

۳. تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی

فرایند تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران با همکاری داوطلبانه روستائیان گره‌خورده است. «همبستگی و هم‌زبانی بین اقشار روستایی و دولت ایجاد شد مخصوصاً افرادی که مستقیماً در هیئت‌ها حضور داشتند و یا سهم می‌بردند به یک نوع جهت‌دهی و ارتباط مستقیم بین دولت و روستا شکل گرفت و کمک‌های داوطلبانه روستائیان در هیئت‌ها به تدریج ایجاد شد...» (محقق بهشتی، ۱۳۹۵). علاوه بر حضور روستائیان در هیئت‌های هفت نفره، مشارکت داوطلبانه آن‌ها در کمک به کارگزاران حکومت از جمله در ارائه اطلاعات و آمار زمین‌های کشاورزی افراد، آشنایی با منطقه و... موارد قابل توجهی هستند. این همکاری داوطلبانه موجب شد تا «مردم، اعضای هیئت‌ها را از خود ببینند و حتی در برخی نقاط کارت همکاری با هیئت را به‌عنوان همکار روستایی داشتند» (شریفی، ۱۳۹۵). در واقع همان‌گونه یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد به‌نوعی «تفاهم نانوشته و ارتباط دوسویه بین روستائیان و حاکمیت ایجاد شد» (شریف، ۱۳۹۵). این همکاری بین روستائیان و هیئت‌های هفت نفره در برخی نقاط تا جایی پیش رفت که «حتی مردم اختلافات خانوادگی خویش را با این هیئت‌ها در میان می‌گذاشتند و از آنان داوری طلب می‌کردند» (پسیان، ۱۳۹۵). ۱۶ نفر از

مصاحبه‌شوندگان به صورت مستقیم به این متغیر اشاره داشته‌اند و البته در مصاحبه‌های دیگر این مسئله به چشم می‌خورد؛ اما توجه به اینکه مخصوصاً در استان‌های دارای شهرهای بزرگ، هیئت‌های هفت نفره تحت‌الشعاع این شهرها قرار داشتند مسئله روستاها و مشارکت مردمی در این هیئت‌ها با توجه به گذشت زمان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مصاحبه‌شوندگان، ثمره این اعتماد و نزدیکی را در آمارهای اعزام رزمندگان به جبهه‌های جنگ تحمیلی هشت‌ساله می‌دانستند. همچنین بر طبق آمار رسمی وزارت کشور، مشارکت روستائیان در انتخابات مختلف نشان می‌دهد که روستائیان در جمهوری اسلامی ایران از مشارکت بالایی برخوردارند و در نتیجه مشارکت روستائیان از طریق زیرمعیارهایی چون حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره، حضور فعالانه در اعزام نیروهای قابل توجه به جبهه و حضور فعال در پای صندوق رأی، در امور حاکمیتی افزایش پیدا کرده است.

۴. گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها

بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان امور اراضی، هیئت‌های هفت نفره در همه استان‌های کشور به صورت دائمی حضور داشته‌اند (محقق بهشتی، ۱۳۹۵). تقسیم اراضی شامل همه استان‌ها شده و افراد حکومتی علی‌الخصوص از نهادهایی چون وزارت کشاورزی، جهاد سازندگی، دادگستری، وزارت کشور و سپاه به کلیه روستاها و مناطق دورافتاده اعزام و در آنجا مستقر شدند. «این حضور مستمر در آبادانی روستاها مؤثر بود. برای مثال در کهنوج و جیرفت این مسئله بود» (سلامتیان، ۱۳۹۵). همه مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که حکومت جدید با این سازوکار جدید و طراحی شده از سوی مرکز، بلافاصله توانست در روستاها عمق‌بخشی کند و این مسئله دقیقاً برعکس سیاست‌های زمان حکومت قبلی بود که فاصله زیادی بین روستاها و حکومت بود. در بسیاری از روستاها، خانه‌ها و انجمن‌های محلی تأسیس شد، ارتباط و تعامل بین روستائیان و اعضای هیئت هفت نفره از حالت رسمی خارج شد و «هیئت‌های هفت نفره از نفوذ و اعتبار خود برای رشد و آبادانی روستاها استفاده کردند» (ب، ۱۳۹۵). در همین اثنا، در خیلی از نقاط دورافتاده که حتی مأمورین دولتی در آنجا حضور نداشتند، نهادهای انقلابی حضور یافتند و حتی پس از اتمام مراحل تقسیم اراضی، این حضور از طریق احداث مدرسه، تأسیس نهادهای روستایی از طریق جهاد سازندگی، انجمن‌های روستا و... تداوم یافت. «نقش جهاد سازندگی و همکاری با هیئت‌های هفت نفره وقتی ایجاد می‌شد نتیجه‌ای مطلوب به وجود می‌آورد» (شریف، ۱۳۹۵)؛ بنابراین حضور مداوم و

ساختارمند هیئت‌های هفت نفره در روستاها و شکل‌گیری تعاونی‌ها و انجمن‌های روستایی و سپس شوراهای روستایی موجب شد تا حکومت انقلابی نوپا به‌سرعت بتواند در اعماق دورافتاده‌ترین روستاهای کشور نیز حضور داشته باشد.

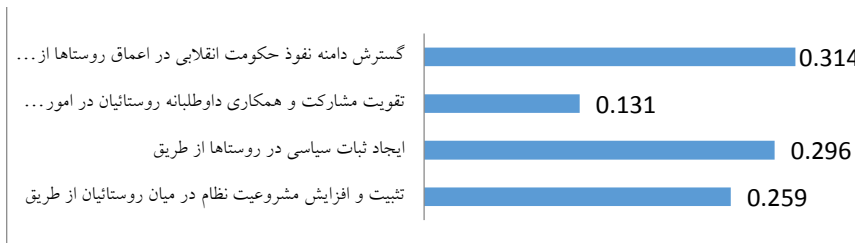
د) اولویت‌بندی متغیرها بر مبنای روش AHP

معیار اصلی، یعنی تبعات سیاسی، از تعدادی زیرمعیار و زیرمعیارها از زیرمعیار تشکیل شده است. همچنین معیار و زیرمعیارهای تحقیق با اندیس عددی به‌صورت نام‌گذاری شده‌اند تا در جریان تحقیق به‌سادگی قابل ردیابی و مطالعه باشد. در این پژوهش برای تعیین وزن شاخص‌های مدل از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است. الگوی سلسله‌مراتبی مدل با استفاده از تکنیک AHP در جدول ۱ زیر ترسیم شده است.

جدول ۱- معیارها و زیرمعیارها

تعیین اولویت زیرمعیارهای تبعات سیاسی

برای تعیین اولویت زیرمعیارهای تبعات سیاسی، بیست نفر از کارشناسان مقایسه‌ی زوجی انجام داده و در جدول ذیل آورده شده است.



شکل ۱- تعیین اولویت زیرمعیارهای تبعات سیاسی

بر اساس بردار ویژه به‌دست‌آمده:

- بیشترین اولویت مربوط به معیار گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها با وزن ۰/۳۱۴ است.
- معیار ایجاد ثبات سیاسی در روستاها با وزن نرمال ۰/۲۹۶ در اولویت دوم قرار دارد.

نماد	معیار اصلی	نماد	زیرمعیار	نماد	زیرمعیار
C1	تبعات سیاسی	S11	تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان	S111	ترویج عدالت اجتماعی
				S112	به رسمیت شناختن حق روستائیان فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه
				S113	تأثیر بر نگرش و بینش روستائیان اهل سنت
				S114	شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق تصمیم‌گیری در شخصیت روستائیان
				S115	ایجاد ارتباط و تفاهم دوسویه بین روستائیان و حاکمیت
S12	ایجاد ثبات سیاسی در روستاها	S121	خستگی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی		
		S122	همبستگی و هم‌زیانی بین مردم روستا و حاکمیت		
		S123	کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ زمین		
		S124	از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ		
S13	تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی	S131	حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)		
		S132	حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه‌ها		
		S133	حضور فعال در پای صندوق‌های رأی		
S14	گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها	S141	حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها		
		S142	شکل‌گیری شوراهای روستایی		

- معیار تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان با وزن نرمال ۰/۲۵۹ در اولویت سوم قرار دارد.

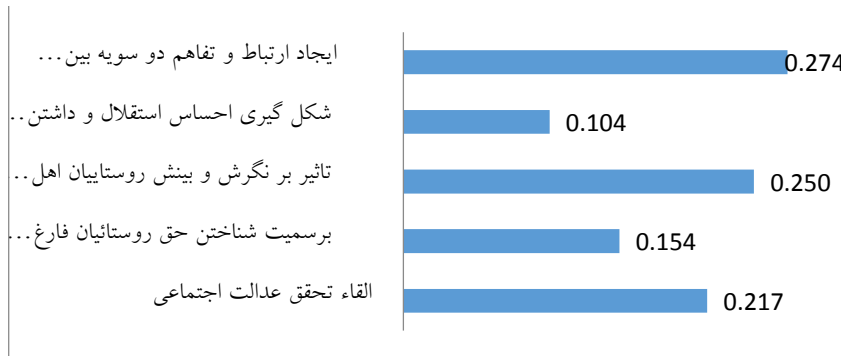
- معیار تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی با وزن نرمال ۰/۱۳۱ در اولویت چهارم قرار دارد.

همچنین ضریب سازگاری مقایسه‌های انجام‌شده نیز برابر ۰/۰۶ به‌دست آمده است که چون کوچک‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام‌شده اطمینان کرد.

۱- مقایسه و تعیین اولویت زیرمعیارها

۲-۱- تعیین اولویت زیرمعیارهای تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان

برای تعیین اولویت زیرمعیارهای تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، بیست نفر از کارشناسان مقایسه‌ی زوجی انجام داده‌اند و در جدول ذیل آورده شده است.



شکل ۲- تعیین اولویت زیرمعیارهای تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان

- بیشترین اولویت مربوط به ایجاد ارتباط و تفاهم دوسویه بین روستائیان و حاکمیت با وزن ۰/۲۷۴ است.
- معیار اثر بر نگرش و بینش روستائیان اهل سنت با وزن ۰/۲۵۰ در اولویت دوم قرار دارد.
- ترویج عدالت اجتماعی با وزن نرمال ۰/۲۱۷ در اولویت سوم قرار دارد.

- معیار به رسمیت شناختن حق روستائیان فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه با وزن ۰/۱۵۴ در اولویت چهارم قرار دارد.
 - معیار شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق تصمیم‌گیری در شخصیت روستائیان با وزن ۰/۱۰۴ در اولویت پنجم قرار دارد.
- همچنین ضریب سازگاری مقایسه‌های انجام‌شده نیز برابر ۰/۰۶ به‌دست آمده است که چون کوچک‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام‌شده اطمینان کرد.

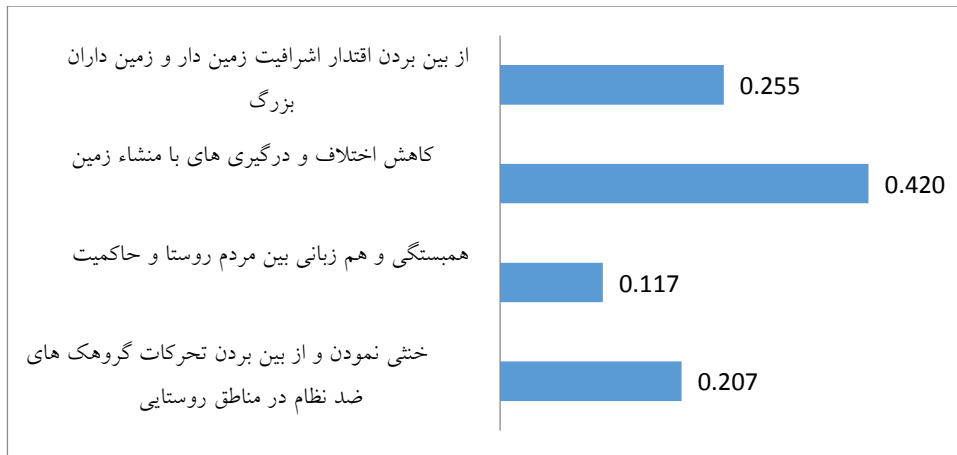
۲-۲- تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها

برای تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها؛ بیست نفر از کارشناسان مقایسه‌ی زوجی انجام داده‌اند و در جدول ذیل آورده شده است.

محاسبات انجام‌شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها در جدول ارائه شده است.

میانگین هندسی	بردار ویژه	از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ	کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ زمین	همبستگی و هم‌زیانی بین مردم روستا و حاکمیت	خستگی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی
۰,۹۱۶	۰,۲۰۷	۰,۹۲۰	۰,۴۲۳	۱,۱۱۰	۱
۰,۵۲۰	۰,۱۱۷	۰,۵۴۷	۰,۲۴۱	۱	۰,۵۵۲
۱,۱۶۱	۰,۴۲۰	۱,۲۲۳	۱	۴,۱۴۴	۲,۳۶۶
۱,۱۲۹	۰,۲۵۵	۱	۰,۱۱۱	۱,۱۲۹	۱,۰۱۷
					خستگی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی
					همبستگی و هم‌زیانی بین مردم روستا و حاکمیت
					کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ زمین
					از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ

جدول ۲- تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها



شکل ۳- تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها

- بیشترین اولویت مربوط به کاهش اختلاف و درگیری‌هایی با منشأ زمین با وزن ۰/۵۶۱ است.
- از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ با وزن ۰/۳۱۲ در اولویت دوم قرار دارد.
- معیار خشتی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی با وزن نرمال ۰/۱۲۸ در اولویت سوم قرار دارد.
- معیار همبستگی و هم‌زبانی بین مردم روستا و حاکمیت با وزن نرمال ۰/۱۲۸ در اولویت سوم قرار دارد.
- همچنین ضریب سازگاری مقایسه‌های انجام‌شده نیز برابر ۰/۰۱ به‌دست‌آمده است که چون کوچک‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام‌شده اطمینان کرد.

۲-۳- تعیین اولویت زیرمعیارهای تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی

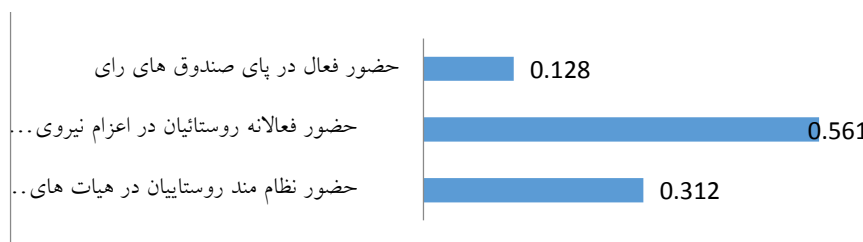
برای تعیین اولویت زیرمعیارهای تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی، بیست نفر از کارشناسان مقایسه‌ی زوجی انجام داده‌اند و در جدول ذیل آورده شده است.

محاسبات انجام شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- تعیین اولویت زیرمعیارهای تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در

ردیف	میانگین هندسی ویژه	حضور فعال در پای صندوق های رأی	حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه ها	حضور نظام مند روستائیان در هیئت های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)	حضور نظام مند روستائیان در هیئت های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)
۰,۳۱ ۲	۱,۱۰۷	۲,۹۰۳	۰,۴۶۷	۱	حضور نظام مند روستائیان در هیئت های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)
۰,۵۶ ۱	۱,۹۹۱	۳,۶۸۹	۱	۲,۱۴۱	حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه ها
۰,۱۲ ۸	۰,۴۵۴	۱	۰,۲۷۱	۰,۳۴۴	حضور فعال در پای صندوق های رأی

امور حاکمیتی



شکل ۴- تعیین اولویت زیرمعیارهای تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در

امور حاکمیتی

- بیشترین اولویت مربوط به حضور فعالان روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه‌ها با وزن ۰/۵۶۱ است.
 - حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره با وزن ۰/۳۱۲ در اولویت دوم قرار دارد.
 - معیار حضور فعال در پای صندوق‌های رأی با وزن نرمال ۰/۱۲۸ در اولویت سوم قرار دارد.
- همچنین ضریب سازگاری مقایسه‌های انجام‌شده نیز برابر ۰/۰۲ به دست آمده است که چون کوچک‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام‌شده اطمینان کرد.

۲-۴- تعیین اولویت زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها

برای تعیین اولویت زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها، بیست نفر از کارشناسان مقایسه زوجی انجام داده‌اند و در جدول ذیل آورده شده است. محاسبات انجام‌شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها در جدول ۵ ارائه شده است

جدول ۵- تعیین اولویت زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها

بردار ویژه	میانگین هندسی	شکل‌گیری شوراهای روستایی	حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها	
۰,۷۰۸	۱,۵۵۶	۲,۴۲۱	۱,۰۰۰	حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها
۰,۲۹۲	۰,۶۴۳	۱,۰۰۰	۰,۴۱۳	شکل‌گیری شوراهای روستایی



شکل ۵- تعیین اولویت زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها

بیشترین اولویت مربوط به حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها با وزن ۰/۷۰۸ است.

معیار شکل‌گیری شوراهای روستایی با وزن ۰/۲۹۲ در اولویت دوم قرار دارد.

۳- اولویت نهایی شاخص‌ها با تکنیک AHP

در این گام اولویت نهایی محاسبه می‌شود. نتایج مقایسه زیرمعیارهای تحقیق و اوزان مربوط به آن‌ها ماتریس W_2 را تشکیل می‌دهد. برای تعیین اولویت نهایی شاخص‌های با تکنیک AHP کافی است وزن شاخص‌ها بر اساس هر معیار (W_2) در وزن معیارهای اصلی (W_1) ضرب شود. با در دست داشتن وزن هر یک از معیارهای اصلی (W_1) و زیرمعیارها (W_2) وزن هر یک از شاخص‌ها محاسبه می‌شود. نتایج محاسبه انجام‌شده در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- تعیین اولویت نهایی شاخص‌ها

وزن نهایی	زیر معیار	وزن خوشه	نماد	وزن زیر معیار	زیر معیار	نماد	وزن اولیه	معیار اصلی	نماد
0.0281	ترویج عدالت اجتماعی	0.217	S111	0.259	تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان	S11	0.5	تبعات سیاسی	C1
0.0200	به رسمیت شناختن حق روستائیان فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه	0.154	S112						
0.0324	تأثیر بر نگرش و بینش روستائیان اهل سنت	0.250	S113						
0.0135	شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق	0.104	S114						

	تصمیم‌گیری در شخصیت روستائیان						
0.0355	ایجاد ارتباط و تفاهم دوسویه بین روستائیان و حاکمیت	0.274	S115				
0.0306	ختشی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی	0.207	S121				
0.0174	همبستگی و هم‌زیانی بین مردم روستا و حاکمیت	0.117	S122	0.296	ایجاد ثبات سیاسی در روستاها	S12	
0.0622	کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ زمین	0.420	S123				
0.0378	از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ	0.255	S124				
0.0205	حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)	0.312	S131	0.131	تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در	S13	

0.0368	حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه‌ها	0.561	S132	0.314	امور حاکمیتی از طریق	S14		
0.0084	حضور فعال در پای صندوق‌های رأی	0.128	S133					
0.1109	حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها	0.708	S141	0.314	گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها از طریق	S14		
0.0458	شکل‌گیری شوراهای روستایی	0.292	S142					

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از روش AHP، از دید کارشناسان مهم‌ترین پیامد سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران، گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها بود. بعدازآن، ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان و درنهایت تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی قرار دارند. به‌این ترتیب، حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران توانست با اجرای این سیاست در سال‌های اولیه پس از انقلاب، در روستاها و حتی دورترین نقاط کشور دامنه حاکمیت و نفوذ خود را گسترش دهد. به‌نوعی می‌توان گفت، این گسترش نفوذ، خود بستر مناسبی را برای تحقق سایر زیرمعیارها در روستاها فراهم آورد.

از دید کارشناسان در مورد اولویت‌بندی زیرمعیارهای تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، طبق نتیجه به‌دست‌آمده ایجاد ارتباط و تفاهم دوسویه بین روستائیان و حاکمیت بیشترین اهمیت را داشته است. همچنین زیرمعیار نگرش و بینش روستائیان اهل سنت، زیرمعیار ترویج عدالت اجتماعی، به رسمیت شناختن حق روستائیان فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه و زیرمعیار شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق تصمیم‌گیری در شخصیت روستائیان در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

در زیرمعیارهای ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، طبق یافته کارشناسان، بیشترین اولویت مربوط به کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ زمین بوده است. این نشانگر موفقیت نسبی سیاست تقسیم زمین در جمهوری اسلامی است. زمین که منشأ بسیاری از اختلافات مخصوصاً در مناطق اقلیت‌های مذهبی بوده با اتخاذ و اجرای سیاست مناسبی، بستری برای ایجاد ثبات در سطح کشور فراهم آورد. از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ، خنثی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی و همبستگی و هم‌زبانی بین مردم روستا و حاکمیت در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

بررسی زیرمعیارهای تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی نشان می‌دهد که بیشترین اولویت مربوط به حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه‌ها است. حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره و حضور فعال در پای صندوق‌های رأی نیز نشانگر رضایت نسبی روستائیان از اجرای سیاست تقسیم زمین بود.

کارشناسان معتقدند که در زیرمعیارهای گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها، بیشترین اولویت، مربوط به حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها و سپس شکل‌گیری شوراهای روستایی است. این مسئله حاکی از آن است که یک ارتباط مستمر و منطقی بین نفوذ حکومت در روستاها با مشارکت روستائیان در فرایند اجرای سیاست تقسیم زمین وجود دارد.

نتیجه‌گیری

تقسیم اراضی که بلافاصله پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران در قالب قانون تقسیم اراضی توسط شورای انقلاب تصویب و در قالب هیئت‌های هفت نفره در سراسر کشور به اجرا

گذاشته شد، برآمده از اندیشه آرمانی انقلاب، یعنی تحقق عدالت اجتماعی بود. این پدیده دارای پیامدهای سیاسی متعددی بود که در این تحقیق بدان پرداخته شد. این پیامدهای سیاسی عبارت‌اند از: افزایش مشارکت، افزایش مشروعیت نظام سیاسی، ثبات سیاسی در جامعه روستایی، افزایش نفوذ حکومت در روستاها.

همان‌گونه که آورده شد با مراجعه به نخبگان هیئت‌های هفت نفره، ابتدا پیامدهای سیاسی مشخص و تعیین شدند. تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی و گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها از جمله مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی تقسیم اراضی در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده است. هرکدام از این دستاوردها خود از چند شاخص به دست آمده که عبارت‌اند از:

الف) تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، شامل: ۱. ترویج عدالت اجتماعی؛ ۲. به رسمیت شناختن حق روستائیان فارغ از هرگونه تمایز مذهبی و تفرقه‌افکنانه؛ ۳. تأثیر بر نگرش و بینش روستائیان اهل سنت؛ ۴. شکل‌گیری احساس استقلال و داشتن حق تصمیم‌گیری در شخصیت روستائیان؛ ۵. ایجاد ارتباط و تفاهم دوسویه بین روستائیان و حاکمیت.

ب) ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، شامل: ۱. خنثی نمودن و از بین بردن تحرکات گروهک‌های ضد نظام در مناطق روستایی؛ ۲. همبستگی و هم‌زبانی بین مردم روستا و حاکمیت؛ ۳. کاهش اختلاف و درگیری‌های با منشأ؛ ۴. از بین بردن اقتدار اشرافیت زمین‌دار و زمین‌داران بزرگ.

ج) تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی از طریق؛ ۱. حضور نظام‌مند روستائیان در هیئت‌های هفت نفره (دو نفر عضو ثابت از روستائیان)؛ ۲. حضور فعالانه روستائیان در اعزام نیروی قابل توجه و اثرگذار به جبهه‌ها؛ ۳. حضور فعال در پای صندوق‌های رأی.

د) گسترش دامن؛ نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها از طریق؛ ۱. حضور ساختارمند و نظام‌مند مستمر هیئت‌های هفت نفره در روستاها؛ ۲. شکل‌گیری شوراهای روستایی.

پس از گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق، از تکنیک AHP برای اولویت‌بندی این پیامدها بهره گرفتیم. بر اساس این روش، بیشترین اولویت مربوط به معیار گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت مهم‌ترین پیامد سیاسی اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی ایران، گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها است. ایجاد ثبات سیاسی در روستاها در اولویت دوم قرار گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت که تقسیم اراضی موجب ایجاد ثبات سیاسی در روستاهای کشور شده است. معیار تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان در اولویت سوم قرار دارد. همچنین تقسیم اراضی به واسطه اقداماتی که در آن صورت گرفت، موجب افزایش مشروعیت حکومت نوپای جمهوری اسلامی شد. معیار تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی در اولویت چهارم قرار دارد. این شاخص نتیجه حضور دو نفر از اهالی روستا در هیئت‌های هفت نفره است که توسط قانون تقسیم اراضی وضع گردید. حضور جدی در بحث تقسیم زمین حاکی از این بود که در حکومت جدید، روستائیان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم هستند و همین مسئله موجب تقویت مشارکت آنان شد.

یادداشت‌ها

1. Land Reform
2. Neoclassic
3. Dorner
4. Warriner
5. Ahmad
6. Lewis
7. Smelser
8. Rostow
9. Clark
10. Hoeswell
11. Marx
12. Bolshevic (Большевики)
13. Lenin
14. Солюхов

۱۵. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با فراهم شدن مقدمات اجرای برنامه اصلاحات زمین در استان‌ها، «لایحه قانونی نحوه واگذاری و احیای اراضی به کشاورزان» در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ توسط شورای انقلاب به تصویب رسید. بر اساس این مصوبه، هیئت‌های ۷ نفره واگذاری زمین در شهرستان‌ها تعیین شدند تا کار تقسیم اراضی را به‌موجب «طرح اصلاحات ارضی اسلامی» که چند مدت قبل توسط وزارت کشاورزی تدوین شده بود، آغاز نمایند. این هیئت‌ها

مأمور اجرای بندهای الف، ب، ج، د قانون، مجاز به واگذاری اراضی موات، منابع ملی، بایر و دایر شدند. بر طبق لایحه یادشده ترکیب هیئت ۷ نفره بدین شرح بود؛
 دو نفر نماینده از وزارت کشاورزی (این نماینده‌ها می‌توانند عضو وزارت کشاورزی نبوده؛ اما مورد اطمینان وزارت کشاورزی باشند)؛

- یک نفر نماینده وزارت کشور یا استانداری محل؛

- یک نفر از جهاد سازندگی؛

- یک نفر نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب؛

- دو نفر نماینده شورای ده.

بر اساس این لایحه به کسانی زمین داده می‌شد که کشاورز بی زمین یا کم زمین یا فارغ‌التحصیل کشاورزی و یا علاقه‌مند به کار کشاورزی بوده و موجب اتلاف زمین نشوند و زمین را نفروشدند. در نهایت طبق مصوبه مورخ ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۷۱ شورای عالی اداری کشور، این هیئت‌های هفت نفره با سازمان اصلاحات ارضی ادغام شدند و سازمانی جدید تحت عنوان سازمان امور اراضی شکل گرفت. در استان‌ها و مناطق نیز، مدیریت امور اراضی (مستقر در اداره کشاورزی) به جای هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین تأسیس شد. لازم به یادآوری است در حال حاضر سازمان امور اراضی در وزارت جهاد کشاورزی آمارها و اسامی افراد عضو هیئت‌های هفت نفره را در آرشیو خود بایگانی نموده است و قابل دسترسی است و محققان برای انجام این پژوهش به این سازمان مراجعه می‌نمایند.

کتاب‌نامه:

الف) فارسی

۱. آب نیکی، حسن (۱۳۹۰)، «چالش‌های مشروعیت و کارآمدی دولت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۲. اسملسر نیل، جی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی اقتصادی*، ترجمه محسن کلاهچی، نشر کویر.
۳. بیگی نسوان، حسین (۱۳۷۶)، «اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال ششم دوره اول، بهار، شماره ۲۵.
۴. حقیقی، ایمان (۱۳۸۵)، «فراز و نشیب‌ها در نظریات اقتصاد توسعه»، راهبرد و توسعه، بهار، شماره ۵.

۵. خسروی، خسرو (۱۳۵۵)، *جامعه‌شناسی روستای ایران*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «ملزومات و راهکارهای تحکیم ثبات سیاسی بر روی تجربه ایران بعد از انقلاب»، گزارش پژوهشی پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۹۱)، «رابطه ثبات سیاسی و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۹.
۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸.
۹. ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. کدی، نیکی. (۱۳۸۶)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات علم، تهران.
۱۱. مایر و سیزر (۱۳۶۸)، *پیشگامان توسعه*، ترجمه علی‌اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، نشر سمت.
۱۲. موسی نژاد، محمدجواد؛ خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۶)، «دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو»، فصلنامه علوم اجتماعی، بهار، شماره ۷۶.
۱۳. هوگلاند، اریک (۱۳۸۱)، *زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰-۱۳۶۰*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، نشر شیراز.

مصاحبه‌ها:

۱. الف، ۱۳۹۵/۹/۲۰، تهران
۲. ب، ۱۳۹۵/۱۰/۵، تهران.
۳. ج، ۱۳۹۵/۱۰/۵، تهران.

۴. د، ۱۳۹۵/۹/۳۰، تهران.
۵. پسیان، ۱۳۹۵/۹/۱۶، تهران، تولیت آستان مقدس امام خمینی (ره).
۶. خسروی، ۱۳۹۵/۹/۱۸، مصاحبه تلفنی.
۷. سلامتیان، ۱۳۹۵/۹/۱۰، تهران.
۸. شریف، رضا، ۱۳۹۵/۹/۱۵، تهران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. شریفی، محمد ۱/۱۰/۱۳۹۵، ساری.
۱۰. عموزاده، ۱۳۹۵/۹/۲۰، تهران، تولیت آستان مقدس امام خمینی (ره).
۱۱. مجدالدین، ۱۳۹۵/۹/۱۷، شیراز.
۱۲. محقق بهشتی، فرهاد، ۱۳۹۵/۹/۲، تهران، سازمان امور اراضی.
۱۳. مسعودی، ۱۳۹۵/۹/۱۸، مصاحبه تلفنی.

(ب) انگلیسی:

1. Ahmad, Zahir (1975), Land Reform in south East Asia, orient Longman Ltd.
2. Aron, Raymond (1990), Democracy and Totalitarianism: A Theory of Political System, Roy Peierce, Arbor Paperback.
3. Cacadu, Jean (2004), Legitmacy and Politics, United Kingdom, Cambridge University Press.
4. Decree of Land (1917), Library of congress -Agriculture [Russia]- available at www.countrystudies.us/russia.
5. Dorner, p (1972), Land Reform and Economic Development, Green Publication.
6. Hinton, William, H, Iron Oxen (1970), a Documentary of Revolution in Chinese Farming. New York: Monthly Review Press.
7. Lissner, Will (1940), Franz Oppenheimer Land Reform Program, New York, henry George School.
8. Martynov, Semyonov (2001), "Man and the Land, August 1917," in Mark D. Steinberg, Voices of Revolution, New Haven, Yale University Press.
9. Rostow, Walt Whitman (1959), the Stages of Economic Growth, Econ History Review.
10. Rostow, Walt Whitman (1960), The Stages of Economic Growth: A non-communist manifesto.

11. Zhou, Kate (1996), How the Farmers Changed China: Power of the People, West view Press.
12. Warriner, D (1969), Land Reform in Principles and practice, clarendon press.
13. Wong, Vince (2014), Land Policy Reform in China: Dealing with forced Expropriation and the Dual Land Tenure System, Centre for Comparative and Public Law Faculty of Law, The University of Hong Kong, Occasional Paper No. 25, may.

(ج) روسی

1. Абдурашитов Ф,М (2016), Земельно-водная реформа в Таджикистане в конце XX -начале XXI вв, Душанбе.
2. Луковцева, Т, А (без даты), Большая Российская Энциклопедия.